

تحلیلی بر تأثیر راهکارهای اصلاحی مدیریت بازارچه مرزی در بهبود سطح توسعه اقتصادی - اجتماعی نواحی روستایی پیرامون (مطالعه موردی: بخش خاو و میرآباد شهرستان مریوان)

فرزاد ویسی^۱ - عبدالجمید احمدی^{۲*}

۱ - استادیار جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

۲ - استادیار جغرافیای طبیعی، دانشگاه بزرگمهر قائنات، قائن، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۱۶ دی ۱۳۹۵

تاریخ دریافت: ۱ مهر ۱۳۹۵

چکیده

هدف: بررسی و تحلیل تأثیر راهکارهای اصلاحی مدیریت بازارچه مرزی در بهبود سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاییان بخش خاوومیرآباد شهرستان مریوان بعد از دوره‌ای رکود و ناکارآمدی در عملکرد بازارچه، هدف اصلی پژوهش حاضر است.

روش تحقیق: تحقیق کاربردی حاضر با روش توصیفی^۱ تحلیلی انجام و داده‌های مورد نیاز در بخش نظری با بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و در بخش عملی با استفاده از پیمایش میدانی مبتنی بر مصاحبه و توزیع پرسش‌نامه در میان ۲۶۰ نفر از سرپرستان خانوار روستاهای بخش، گردآوری شد. تعیین حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران و توزیع پرسش‌نامه‌ها در میان روستاهای نمونه به صورت طبقه‌ای و در میان سرپرستان خانوار به صورت تصادفی ساده بوده است. داده‌های به‌دست‌آمده نیز با استفاده از شاخص‌های توصیفی چون میانگین و مد و آزمون‌های آمار استنباطی چون: t تک نمونه‌ای، تحلیل مسیر و تکنیک AHP تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نتایج پژوهش نشان‌دهنده این واقعیت است که راهکارهای اصلاحی که از سوی مدیریت بازارچه اتخاذ و اجرا شده‌اند، موجب بهبود عملکرد بازارچه و در نتیجه، ارتقای سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاییان بخش شده‌اند. در این میان، مؤلفه افزایش درآمد، دارای بیشترین تأثیر، در بهبود سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاییان به دنبال اجرای راهکارهای اصلاحی مدیریتی در شیوه اداره بازارچه می‌باشد. از میان راهکارهای اتخاذی مدیریت بازارچه نیز راهکار افزایش سقف مبادلات و افزایش درآمد روستاییان، دارای بیشترین اهمیت و تأثیر در خروج از رکود بازارچه و اثرگذاری مطلوب آن در توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاییان بخش بوده است.

محدودیت‌ها: محدودیت دسترسی به روستاهای منطقه به دلیل گستردگی، کمبود آمارهای کمی در ارتباط با حجم مبادلات بازارچه و عدم در اختیارگذاری آن‌ها به دلیل امنیتی بودن منطقه، مهم‌ترین محدودیت‌های پژوهش حاضر بوده‌اند.

راهکارهای عملی: مهم‌ترین راهکار، سهم‌بردن بیشتر روستاییان از منافع بازارچه با جذب پس‌اندازهای خرد روستاییان در قالب تعاونی تجاری و نیز اختصاص بخشی از درآمدهای بازارچه به منظور سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های مولد کارگاهی در سطح روستاهای بخش است.

اصالت و ارزش: نوآوری اصلی پژوهش، بازکردن نقش مدیریت صحیح و کارآمد نهادهای و محدثات توسعه‌ای روستایی از جمله بازارچه‌های مرزی در راستای توسعه اقتصادی^۲ اجتماعی نواحی روستایی محروم مرزی است.

کلیدواژه‌ها: بازارچه مرزی، مدیریت، اثربخشی، توسعه اقتصادی و اجتماعی، بخش خاو و میرآباد.

ارجاع: ویسی، ف. و احمدی، ع. (۱۳۹۶). تحلیلی بر تأثیر راهکارهای اصلاحی مدیریت بازارچه مرزی در بهبود سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی نواحی روستایی پیرامون (مطالعه موردی: بخش خاوومیرآباد شهرستان مریوان). *مجله پژوهش و برنامه‌ریزی روستایی*، ۶(۲)، ۱۷۱-۱۹۰.

<http://dx.doi.org/10.22067/jrpp.v5i4.59032>

۱. مقدمه

۱.۱. طرح مسأله

در کشورهای در حال توسعه؛ جایی که از آن به عنوان جهان حسرت‌ها یاد می‌شود (حسین‌زاده دلیر، ۱۳۹۰، ص. ۸۷)، برنامه‌های توسعه به‌خوبی اجرا نشده و تفاوت‌ها و نابرابری‌های فاحش در زمینه درآمد، تولید و سطح برخورداری از خدمات عمومی بین نواحی مختلف از مشخصه‌های اصلی ساختمان اقتصادی و اجتماعی آن‌ها است. این نابرابری‌ها که به دلایل متعددی چون دلایل تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، جغرافیایی، دموگرافیکی و سیاسی ایجاد می‌شوند، رشد ناهمگون و نامتعادل میان نواحی مرزی و مرکزی را به دنبال داشته‌اند (احمدیان، ۱۳۹۰، ص. ۳). عدم تعادل و نابرابری از جهت دسترسی به فرصت‌ها و منافع حاصل از رشد و توسعه در حوزه‌های روستایی مناطق دورافتاده و مرزی کاملاً واضح است (اسماعیل‌زاده، ۱۳۹۱، ص. ۳). این در حالی است که نقش و جایگاه روستاها در فرآیند توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، منطقه‌ای و ملی و پیامدهای توسعه‌نیافتگی این نواحی؛ مانند: فقر گسترده، نابرابری فزاینده، رشد سریع جمعیت، بیکاری، افزایش قاچاق، مهاجرت، حاشیه‌نشینی شهری و در نهایت، شورش و ناامنی، موجب توجه به توسعه روستایی این مناطق شده است (صدر موسوی و طالب‌زاده، ۱۳۹۲، ص. ۲۱۶). در این ارتباط، می‌توان چرخه‌ای را تصور کرد که فقر و کاهش سایر مؤلفه‌های مرتبط با توسعه اقتصادی - اجتماعی به دلیل نابرابری و عدم تعادل در توسعه یکسان، منجر به ناامنی و ناامنی موجب توسعه‌نیافتگی و بی‌ثباتی در جامعه مرزی شود.

جهت رفع این معضلات، بالندگی و حرکت در مسیر توسعه روستایی این مناطق، تمرکز بر روی مبادلات بازرگانی و ایجاد بازارچه‌های مرزی، می‌تواند به عنوان دروازه‌ای اقتصادی عمل کرده و محرک خوبی برای افزایش مبادلات رسمی، شکوفایی مزیت‌های نسبی و گسترش همکاری‌ها و توسعه بازارهای بین منطقه‌ای، تثبیت قیمت‌ها، جهت‌دهی سودهای تجاری، افزایش اشتغال و رفاه برای جامعه روستایی مرزنشین باشد (کامران، ۱۳۸۹، ص. ۱۳؛ زرقانی، ۱۳۹۱، ص. ۲). این بازارچه‌ها خلأ اقتصادی موجود در محدوده مرزها را جبران و از خالی شدن روستاهای حاشیه مرزها جلوگیری می‌کنند. همچنین، با پخش منافع توسعه به مناطق پیرامون، زمینه‌ساز

توسعه اقتصادی و اجتماعی آن‌ها می‌شوند (پال، ۲۰۰۱، ص. ۵۱).

در این میان، اثرگذاری مطلوب و مؤثر بازارچه‌های مرزی به عنوان نهادهایی که محرک و انگیزاننده توسعه نواحی روستایی مرزی خواهند شد، همانند هر نهاد و سازمان دیگری نیازمند مدیریت صحیح و کارآمد است. اهمیت مدیریت صحیح و اتخاذ تصمیم‌های مؤثر در راستای اثربخشی مطلوب بازارچه‌های مرزی با توجه به ضعف‌های متعدد نهادی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی روستاهای مرزی، ضرورتی انکارناپذیر است؛ زیرا در غیر این صورت، با توجه به شکننده بودن محیط روستایی، به‌ویژه در نقاط مرزی و پیوند سیستمی بین عرصه‌های مختلف ساختار روستایی، اگر تأسیس هر نوع محدثات توسعه‌ای از جمله بازارچه‌های مرزی، بدون برنامه و با ذهنی‌نگری و بدون اتخاذ تمهیدات و بسترسازی‌های لازم انجام گیرد و به صورت مستمر، شیوه فعالیت آن مورد ارزیابی و بهسازی قرار نگیرد، آثار مفید و مثبت آورده‌شده در ارتباط با اثرگذاری بازارچه‌های مرزی در توسعه مناطق روستایی مرزی به‌کندی جلوه‌گر شده و آثار منفی؛ هم‌چون بهره‌مندی شهرنشینان به عنوان ذی‌نفعان اصلی، سرخوردگی و ایجاد ناامیدی و کاهش روحیه تلاش‌گری اقتصادی در بین روستاییان، تغییر ساختمان جمعیت روستایی، تغییر شکل و بافت روستاهای هم‌جوار بازارچه به نفع شهرنشینان و توسعه سازه‌های بازارچه، افزایش قیمت زمین‌های کشاورزی، کاهش راندمان تولید محصولات و سطح زیر کشت، رشد اشتغال کاذب، کاهش شأن اجتماعی و شغلی روستاییان، شکل‌گیری دید منفی روستاییان نسبت به مسئولان و برنامه‌ریزان و به تبع آن، کاهش مشارکت در اجرای سایر برنامه‌های توسعه‌ای، افزایش آلودگی و تخریب محیطی، توزیع نامتوازن منافع و ثمرات و قطبی کردن روستاها، پایین آمدن سطح تحصیلات و در نهایت، کاهش جمعیت و تخلیه روستاها، حاصل می‌شود. بنابراین، باید مدیریت بازارچه‌ها با شناسایی چالش‌ها و نقاط ضعف و سپس، تدوین و اجرای راهکارهای اصلاحی و در واقع، با بهسازی مدیریتی مستمر، به گونه‌ای صحیح و کارآمد انجام گیرد تا رهیافت این امر، توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاهای مرزی و در ادامه تأمین امنیت پایدار آن‌ها باشد.

- آیا راهکارها و اصلاحات مدیریتی انجام گرفته توانسته است، به توسعه اقتصادی^۵ اجتماعی روستاهای پیرامون بازارچه منجر شود؟

- به دنبال اصلاحات مدیریتی انجام گرفته، کدام یک از مؤلفه‌های اقتصادی-اجتماعی، بیشترین تأثیر را در تغییر وضع موجود سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاییان داشته است؟

- کدام یک از راهکارها و اصلاحات مدیریتی انجام گرفته دارای بیشترین اهمیت و تأثیر در تغییر وضع موجود توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها بخش بوده است؟

۲.۱. پیشینه تحقیق

بررسی پژوهش‌های انجام گرفته در ارتباط با کیفیت اثرگذاری بازارچه‌های مرزی در کنار آثار مثبت، نتایج و آثار منفی را هم بیان می‌کنند که بیشتر آن‌ها در حوزه مدیریت و شیوه اداره بازارچه‌ها می‌باشد و می‌توان با مدیریت صحیح، بسیاری از مشکلات بازارچه‌ها را برطرف کرده و جایگاه واقعی و اثربخش بازارچه‌ها را در نظام اقتصادی و نظام آمایشی کشور تثبیت کرد. در این ارتباط در ابتدا می‌توان به پژوهش‌هایی که در ارتباط با عملکرد بازارچه مرزی منطقه مورد مطالعه پژوهش حاضر، توسط ویسی و داستوار (۱۳۹۴) با عنوان «ارزیابی نقش بازارچه‌های مشترک مرزی در توسعه پسرکانه‌های روستایی، مطالعه موردی: بازارچه‌های پیران و دره وران مریوان» و طیب‌نیا و منوچهری (۱۳۹۴) با عنوان «ارزیابی تأثیر بازارچه‌های مرزی در توسعه نواحی روستایی شهرستان مریوان» انجام گرفته است، اشاره کرد. نتایج نشان می‌دهند که در مجموع، بازارچه‌های مرزی منطقه و گمرک باشماق تأثیر رضایت‌بخشی در توسعه اقتصادی-اجتماعی نواحی روستایی پیرامونشان نداشته‌اند. عمده معضلاتی که در ارتباط با این عملکرد ناموفق بیان می‌شود؛ هم‌چون درآمد کم و ناکافی روستاییان، عدم همکاری و مشارکت مطلوب مردم محلی، ضعف زیرساخت‌های ارتباطی و خدماتی بازارچه، عدم اشتغال‌زایی مناسب، عدم ارتقای شغلی روستاییان، ریسک‌پذیری کم مسئولان، عدم نظارت مطلوب، ورود بیش از اندازه شهرنشینان، تعطیلی‌های مکرر و مداوم بازارچه، موازی‌کاری مدیریتی و ناهماهنگی به واسطه تعدد تصمیم‌گیرندگان و غیره معضلاتی هستند که مدیریت نامطلوب بازارچه را نان می‌دهند.

منطقه مورد مطالعه، روستاهای بخش خاوومیرآباد در غرب شهرستان مریوان یکی از ۱۰ شهرستان استان کردستان، در نقطه صفر مرزی با کشور عراق می‌باشد که موقعیت جغرافیایی، همسانی شرایط فرهنگی و اجتماعی با مردمان آن سوی مرز و ظرفیت فراوان کشور عراق به منظور تجارت مرزی، وضعیتی مطلوب را جهت ایجاد بازارچه مرزی رقم زده و بر این اساس، بازارچه مرزی در بخش، در وهله اول به منظور بهبود وضعیت توسعه روستاهای پیرامون و سپس منطقه مریوان در سال ۱۳۸۸ تأسیس شد. مصاحبه‌ها با مردم محلی و همچنین، نتایج پژوهش‌های ویسی و داستوار (۱۳۹۴)، طیب‌نیا و منوچهری (۱۳۹۴) در ارتباط با کیفیت عملکرد و اثرگذاری اقتصادی-اجتماعی، بازارچه مذکور نشان دادند این بازارچه مرزی نتوانسته است که از دیدگاه مردم محلی، نقش مؤثر و رضایت‌بخشی در ارتقا و بهبود شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی توسعه مناطق روستایی پیرامونش داشته باشد و با فاصله گرفتن از هدف اولیه و اصلی آن که ایجاد امنیت پایدار به واسطه دستیابی به شرایط مطلوب کیفیت زندگی و توسعه نواحی روستایی است، بیشترین تأثیرات آن فرمانطقه‌ای و حتی فراستانی بوده است. عمده نتایج تحقیق‌های مذکور و گفته‌های مردم محلی نشان می‌دهند که مدیریت بازارچه در ایجاد مدیریت کارآمد که منافع اصلی را متوجه روستاییان کند و بتواند فعالیت در بازارچه را به عنوان فعالیت مطلوب مکمل، جهت ایجاد چشم‌اندازی روشن در زمینه بهبود سطح توسعه روستاییان مطرح کند، ناکارآمد بوده و نفع‌برندگان اصلی از منافع بازارچه شهرنشینان می‌باشند و فعالیت در بازارچه نتوانسته به مانند فعالیت غیررسمی قاچاق که به دنبال انسداد مرزها، جای‌گزین آن شد، اثرگذار عمل کند. بازتاب این وضعیت سبب شد تا از سوی مدیریت بازارچه که در اختیار مرزبانی شهرستان است، اصلاحاتی در راستای بهبود عملکرد بازارچه و اثرگذاری مطلوب آن در توسعه اقتصادی-اجتماعی روستاهای پیرامونش اتخاذ شوند و انجام گیرند. حال هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی و تحلیل چگونگی تغییر کارکرد و کیفیت اثرگذاری بازارچه در ارتقا و بهبود وضعیت توسعه اقتصادی-اجتماعی روستاهای این منطقه به دنبال انجام اصلاحات مدیریتی است که در چگونگی اداره و عملکرد آن ایجاد شده است. در این راستا، سؤال‌هایی به شرح زیر مطرح هستند:

۲. روش تحقیق

۱.۱.۲. قلمرو جغرافیایی تحقیق

شهرستان مریوان به مرکزیت شهر مریوان یکی از ۱۰ شهرستان استان کردستان در غرب استان و در مجاورت خاک عراق با طول جغرافیایی ۴۵ درجه و ۵۸ دقیقه تا ۴۶ درجه و ۴۵ دقیقه طول شرقی و ۳۵ درجه و ۰۲ دقیقه تا ۳۵ درجه و ۴۸ دقیقه عرض شمالی واقع شده است. این شهرستان دارای سه بخش مرکزی، سرشیو و خاوومیرآباد می‌باشد. بخش خاوومیرآباد با مساحتی بالغ بر ۳۳۸ کیلومتر مربع دارای ۳۰ روستا دارای سکنه و در منطقه صفر مرزی در همسایگی کشور عراق واقع شده است (شکل ۱) (طیبنیا و منوچهری، ۱۳۹۴). فعالیت‌های تجاری و بازرگانی به دلیل موقعیت جغرافیایی مناسب و تشابهات متعدد با کشور همسایه از دیرباز نقش مهمی در اشتغال و تأمین درآمد مردمان منطقه داشته‌است؛ اما گسترده‌گی قاچاق کالا و پتانسیل فراوان کشور عراق جهت مبادلات تجاری، مسؤولان را برآن داشت که با تأسیس بازارچه مرزی در سال ۱۳۸۸ در کنار گمرک رسمی باشماق، در راستای حذف قاچاق و قانون‌مند کردن مبادلات تجاری از طریق بازارچه مرزی اقدام کنند. هم‌اکنون اجازه فعالیت مستقیم در بازارچه تنها در اختیار روستاییان بخش می‌باشد که به هر کدام از سرپرستان خانوار سهمیه‌ای یکسان جهت ورود کالا اختصاص یافته است.

۲.۲. روش تحقیق

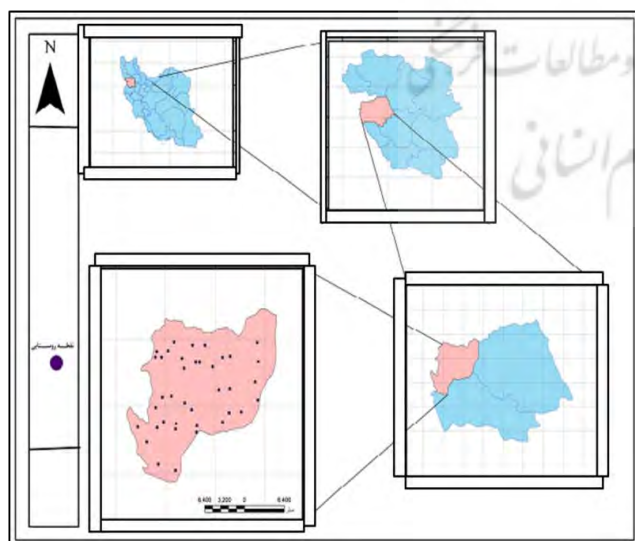
پژوهش حاضر به لحاظ هدف، کاربردی و از حیث روش انجام نیز توصیفی^۰ تحلیلی است. گردآوری اطلاعات آن در بخش نظری با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای و در بخش میدانی مبتنی بر مصاحبه و توزیع پرسش‌نامه می‌باشد. جامعه آماری این پژوهش را سرپرستان خانوار روستاهای بخش خاوومیرآباد در بر می‌گیرد. این بخش بر مبنای سرشماری ۱۳۹۰ دارای ۱۱۴۰۸ نفر جمعیت و ۲۷۳۶ خانوار است که با استفاده از فرمول کوکران، تعداد ۲۶۰ خانوار به عنوان حجم نمونه تعیین شد. در ادامه به منظور توزیع پرسش‌نامه در بین روستاها نیز با توجه به گسترده‌گی منطقه، دشواری دسترسی و شرایط یکسان فعالیت در بازارچه برای تمامی روستاها و سرپرستان خانوار، ۱۵ درصد از کل ۳۰ روستای بخش؛ یعنی ۵ روستا به عنوان نمونه انتخاب شد. نمونه‌ها براساس عامل جمعیت انتخاب شدند. براساس این عامل با توجه به شرایط

یگانه (۱۳۹۰) در پژوهش دیگری با عنوان «ارزیابی اثرات اقتصادی بازارچه مرزی مهران بر توسعه نواحی روستایی دهستان محسن‌آباد» به این نتیجه می‌رسد که بازارچه در افزایش و رشد نسبی شاخص‌های اقتصادی مؤثر بوده است؛ اما فاصله گرفتن از اهداف اولیه با بیشتربودن اثرگذاری فرامنطقه‌ای بازارچه، توزیع ناعادلانه درآمدها و عدم بهره‌گیری از مردم در اداره بازارچه را به عنوان مهم‌ترین ضعف‌هایی بیان می‌کند که مدیریت مطلوب بازارچه می‌توانست مانع شکل‌گیری آن‌ها شود. کامران (۱۳۸۹) نیز در پژوهش خود با عنوان «تحلیل کارکرد بازارچه مرزی باجگیران» به این نتیجه می‌رسد که بازارچه باجگیران، نتوانسته است محقق‌کننده اهداف اولیه خود باشد و تنها ۳ روستای منطقه در آن فعالیت دارند و با فاصله گرفتن از بازارچه تأثیر آن به صفر می‌رسد و حتی بازارچه موجب توسعه قاچاق از معبر عمومی شده است. وی ضعف مدیریتی و برنامه‌ریزی را عامل اصلی شکل‌گیری چنین وضعیتی می‌داند.

پهلوانی (۱۳۸۵) در مقاله‌ای دیگر با عنوان «بررسی مسائل و مشکلات بازارچه‌های مرزی مشترک سیستان و بلوچستان» با روش کتاب‌خانه‌ای و مصاحبه میدانی با فعالان و مسؤولان بازارچه‌ها، ضعف‌های مدیریتی؛ هم‌چون عدم تمایل طرف پاکستانی به رونق بازارچه به دلیل عدم انعقاد تفاهم‌نامه همکاری، مسدودشدن مقطعی بازارچه، فعالیت غیرقانونی افرادی که اجازه فعالیت در بازارچه را ندارند، محدودیت سقف مبادلات، بروکراسی اداری و موازی‌کاری را مهم‌ترین موانع پیش روی عملکرد مطلوب بازارچه‌های مرزی استان می‌داند.

فائو با همکاری سازمان برنامه جهانی غذای سازمان ملل (۲۰۱۱) در تحقیقی با عنوان «گزارشی از عملکرد بازارچه مرزی دوبلی در مرز کنیا و سومالی»، پس از بیان شرح عملکرد و اثرگذاری اقتصادی آن، فصلی‌بودن بازارچه، تأثیرپذیری آن از نوسانات قیمت، ناآرامی‌های سیاسی و جنگ، نوسانات نرخ ارز و پول داخلی، فقدان زیرساخت‌ها و امکانات لازم، عدم وجود قوانین شفاف و عدم نظارت صحیح و دقیق را مهم‌ترین معضلات پیش روی این بازارچه مرزی، جهت عملکرد مطلوب آن برمی‌شمارند که حل آن‌ها را نیز در گرو برنامه‌ریزی و سپس پیگیری و جدیت اجرای راهکارها از سوی مدیریت بازارچه و مدیران اقتصادی کشورهای دو سوی بازارچه در سطح محلی، منطقه‌ای و ملی می‌دانند.

منطقه روستاها در سه گروه پرجمعیت (۶۰۰ نفر به بالا)، جمعیت متوسط (۳۰۰-۶۰۰ نفر) و کم جمعیت (زیر ۳۰۰ نفر) دسته‌بندی و از هر دسته با توجه به تعداد روستای موجود در دسته سهم آن از تعداد کل نمونه مشخص شد. به دلیل قراردادن تعداد ۱۵ و ۱۴ روستای بخش به ترتیب در طبقه اول و دوم جمعیتی که مشتمل بر ۴۸ و ۳۹ درصد کل روستاها می‌باشد از هر یک ۲ نمونه و از طبقه سوم با داشتن تعداد ۴ روستای بخش که مشتمل بر ۱۳ درصد روستاها می‌باشد، ۱ روستا به عنوان نمونه انتخاب شد. سپس با توجه به نمونه‌گیری منطبق، سهم هر روستا در دسته‌های سه‌گانه از تعداد پرسش‌نامه‌ها مشخص شده و پرسش‌نامه‌ها به صورت تصادفی ساده در میان سرپرستان خانوار توزیع شد (جدول ۱). انتخاب روستاهایی که در دسته‌های سه‌گانه باید پرسش‌نامه‌ها در میان آن‌ها توزیع شود، به صورت تصادفی و با بهره‌گیری از روش قرعه‌کشی بوده است. سؤالات مورد استفاده در پرسش‌نامه دارای ۵ گزینه پاسخ است که براساس طیف لیکرت می‌باشند. متغیر مستقل پژوهش، اقدامات و اصلاحاتی است که در راستای رونق بازاریابی از سوی مدیریت بازاریابی؛ یعنی مرزبانی شهرستان مریوان انجام گرفته است. جهت شناسایی این اصلاحات یا متغیرهای مستقل، مصاحبه‌هایی با مسؤولان اداره بازاریابی و آگاهان محلی انجام و این متغیرها که دربرگیرنده موارد مذکور در جدول (۲) می‌باشند، شناسایی شدند تا تأثیرات اجرای آن‌ها بر روی متغیرهای وابسته پژوهش (جدول ۳) که شاخص‌های توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاهای بخش هستند، مورد سنجش قرار گیرد. روایی پرسش‌نامه به واسطه تأیید مسؤولان اداره بازاریابی، آگاهان و متخصصانی که سابقه مطالعات مشابه در منطقه مورد مطالعه را داشته‌اند و پایایی پرسش‌نامه نیز با توجه به ضریب آلفای کرونباخ برابر مقدار (۰/۷۶) که در نرم‌افزار SPSS محاسبه شده است، مورد تأیید است. در ادامه برای تجزیه و تحلیل اطلاعات به دست آمده، علاوه بر شاخص‌های آمار توصیفی، از آزمون‌های آمار استنباطی هم چون t تک نمونه‌ای و تحلیل مسیر بهره گرفته شد. همچنین، به منظور مشخص کردن مهم‌ترین و پراهمیت‌ترین اقدام و راهکاری که توانسته است، بیشترین نقش را در تغییر عملکرد بازاریابی و به دنبال آن، تغییر سطح توسعه اقتصادی °



شکل ۱- نمایش منطقه مورد مطالعه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

جدول ۱- توزیع طبقه‌ای پرسش‌نامه‌ها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

طبقه	اسم روستا	تعداد خانوار	تعداد پرسش‌نامه‌های تعلق‌گرفته
اول (۳۰۰-۰) نفر جمعیت	نچی	۵۴	۲۳
	کالی سفید	۶۰	۲۶
دوم (۳۰۱-۶۰۰) نفر جمعیت	سیف سفلی	۱۲۸	۵۵
	ینگجه	۹۰	۳۸
سوم (۶۰۱-۱۲۰۰) نفر جمعیت	ساوچی	۲۸۰	۱۱۸
جمع	۵	۶۱۲	۲۶۰

جدول ۲- متغیرهای مستقل پژوهش (اقدامات مدیریتی انجام‌گرفته به منظور بهبود عملکرد بازارچه)

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

نظارت بیشتر بر عملکرد مسؤلان بازارچه، افزایش سقف مبادلات و درآمد مردم، اهمیت‌دادن بیشتر به مردم محلی (افزایش خدمات رفاهی بازارچه و رفتار بهتر از سوی مأموران بازارچه)، بهبود زیرساخت‌های ارتباطی و خدماتی بازارچه، جلوگیری از ورود غیرقانونی شهرنشینان، توزیع عادلانه درآمدهای بازارچه در میان روستاییان، تناوم فعالیت و جلوگیری از تعطیلی‌های مقطعی، انعقاد تفاهم‌نامه‌های همکاری با کشور همسایه، اختصاص بخشی از درآمدهای بازارچه به دهیاری‌ها.

جدول ۳- متغیرهای وابسته (شاخص‌های مورد سنجش توسعه اقتصادی و اجتماعی به واسطه عملکرد بازارچه‌ها)

مأخذ: یگانه، ۱۳۹۰؛ ویسی و داستوار، ۱۳۹۴؛ منوچهری و طیب‌نیا، ۱۳۹۴؛ کامران، ۱۳۸۹

پایایی	متغیر	مؤلفه	ابعاد
۸۲	افزایش اشتغال (سرپرستان خانوار)، اشتغال زنان، اشتغال جوانان جویای کار	اشتغال	اقتصادی
۷۷	افزایش درآمد، افزایش درآمد دهیاری‌ها، توزیع عادلانه درآمدهای بازارچه، بهبود درآمد حاصل از بازارچه نسبت به سایر منابع درآمدی، توسعه فعالیت‌های کشاورزی، انگیزه سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در روستا، سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی خارج از روستا.	درآمد	
۷۳	توانایی پرداخت هزینه‌های بهداشت و درمان، تأمین هزینه‌های مصرفی خانواده (تغذیه، تفریح، پوشاک)، میزان وابستگی درآمدی به بازارچه جهت تأمین هزینه‌های زندگی، تغییر در قیمت محصولات مصرفی و تولیدی.	هزینه‌های زندگی	
۷۱	افزایش خدمات عمومی و زیربنایی، افزایش اطلاع از شیوه‌های تجارت، افزایش میل ماندگاری روستاییان (کاهش مهاجرت)، ارتقای شغلی، مهاجرت معکوس (بازگشت روستاییان از شهر به روستا)، افزایش امنیت شغلی، کاهش فقر روستایی، افزایش سطح تحصیلات.	مسائل اجتماعی	اجتماعی
۷۶	۲۲	۴	مجموع: ۲

۳. مبانی نظری

افزایش ظرفیت‌های تولیدی؛ اعم از ظرفیت‌های فیزیکی، انسانی و اجتماعی. در توسعه اقتصادی، رشد کمی تولید حاصل خواهد شد؛ اما در کنار آن، نهادهای اجتماعی نیز متحول خواهند شد، نگرش‌ها تغییر خواهد کرد، توان بهره‌برداری از منابع موجود به صورت مستمر و پویا افزایش یافته و هر روز، نوآوری جدیدی انجام خواهد گرفت؛ به علاوه، می‌توان گفت ترکیب تولید و سهم نسبی نهاده‌ها نیز در فرآیند

توسعه به معنای کوششی آگاهانه، نهادی شده و مبتنی بر برنامه‌ریزی برای ترقی اجتماعی و اقتصادی پدیدۀ منحصربه‌فرد قرن بیستم است که از سال ۱۹۱۷ در شوروی سابق شروع شد (آسایش، ۱۳۸۵، ص. ۱۶). در یک تعریف کلی، می‌توان توسعه را فرآیند بهبود وضع زندگی مردم دانست و در این بین، توسعه اقتصادی عبارت است از رشد همراه با

تولید، تغییر می‌کند (امینی، ۱۳۹۳). توسعه اقتصادی در کنار رشد کمی به مسائل کیفی نیز توجه دارد و این امر موجب می‌شود رشد اقتصادی با بهبود استانداردهای زندگی، پایدارتر باشد (پترونلا^۲، ۲۰۱۲، ص. ۶۸-۶۶). در واقع، اهدافی را برای تأمین رفاه و آسایش عمومی در نظر دارد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص. ۴۵). توسعه اجتماعی نیز به عنوان یکی دیگر از شاخه‌های توسعه یکی از ابعاد اصلی فرآیند توسعه و بیان‌گر تحول سیستم اجتماعی در راستای دستیابی به عدالت اجتماعی، ایجاد یک‌پارچگی و انسجام اجتماعی افزایش کیفیت زندگی و ارتقای کیفیت انسان‌ها می‌باشد (ظفری، حسینی، حلیجی و فتوحی، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۰). توسعه اجتماعی از دیدگاه‌های مختلفی مورد تعریف و بررسی قرار گرفته است؛ از دیدگاه رفاه‌گرا، توسعه اجتماعی به کیفیت مطلوب‌تر زندگی اطلاق می‌شود. در این راستا، از نظر سازمان‌های بین‌المللی هم‌چون سازمان ملل متحد با استناد به گزارش‌های توسعه انسانی، توسعه اجتماعی، دسترسی به تسهیلات آموزشی، رفاهی، بهداشتی، تغذیه، مسکن، اشتغال و امنیت و مانند آن است. در دیدگاه مارکسیستی نیز بر معیارهای مساوات طلبی، عدالت‌محوری و ارائه فرصت‌های لازم برای محرومان تأکید شده است (ارمکی، مبارکی و شهبازی، ۱۳۹۱، صص. ۵۲-۵۱). به این ترتیب، توسعه اجتماعی بیان‌گر فرآیندی است که طی آن نیازهای حیاتی، اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، زیست‌محیطی، همه انسان‌ها (که با اهدافی نظیر ارتقای آزادی، امنیت، برابری، عدالت، صلح، انسجام و وحدت، فقرزدایی و بهبود تغذیه، بهداشت، مسکن، آموزش و کیفیت گذران اوقات فراغت همراه است)، تأمین می‌شود؛ به عبارت دیگر، توسعه اجتماعی به مثابه یک کل یک‌پارچه نه تنها به عنوان مجموعه تغییر و تحولات ساختاری در ساختارهای فرهنگی و اجتماعی جامعه تلقی می‌شود؛ بلکه اساساً به مثابه یکی از پیامدهای توانایی جامعه در سازمان‌دهی به توانمندی انسان و منابع مولد برای مواجهه با فرصت‌ها و چالش‌ها و کاهش سطح آسیب‌پذیری است (محمدی، ۱۳۹۲).

در سال ۱۹۹۵ در اجلاس جهانی توسعه اجتماعی کپنهاگ، رفع فقر، بیکاری، محرومیت‌ها و بی‌عدالتی‌های اجتماعی به‌ویژه در نواحی روستایی، به عنوان هدف اصلی توسعه اجتماعی مطرح شد (ساکاموتو^۳، ۲۰۰۳، صص. ۲ و ۶). در این بین، مطالعات توسعه روستایی به‌آرامی با مطرح‌شدن

مفاهیم توسعه اجتماعی آغاز شد (پاپلی یزدی و ابراهیمی، ۱۳۸۷، ص. ۵۱). توسعه نواحی روستایی به منظور دگرگون‌سازی ساختار اقتصادی و اجتماعی جزئی از فرآیند توسعه ملی است (منوچهری و فراهانی، ۱۳۹۳، ص. ۳۳). راوات در تعریفی بیان می‌کند که توسعه روستایی در رابطه با ارتقای سطح معیشت اقتصادی مردمی است که در نواحی روستایی زندگی می‌کنند. در واقع، بازتابی از افزایش قدرت خرید روستاییان است (راوات^۴، ۲۰۱۲، ص. ۱). بانک جهانی، توسعه روستایی را این‌گونه تعریف می‌کند: استراتژی برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم فقیر که همان روستاییان هستند و در واقع، بهترکردن شرایط زندگی آن‌ها در محیط روستا است (آسایش، ۱۳۸۵، ص. ۲۲). ماهاتما گاندی در تعریفی ساده توسعه روستایی را تبدیل کردن روستاها به محیط قابل زیست و متناسب با رشد و تعالی انسان می‌داند (لنگرودی، ۱۳۸۶، ص. ۶۱). در این راستا، یکی از ضرورت‌های مهم تحقق توسعه در نواحی روستایی و در واقع دستیابی به شرایط مطلوب اقتصادی و اجتماعی، رفع محرومیت‌ها، بی‌عدالتی‌ها و افزایش درآمد روستاییان می‌باشد (ویستهلم^۵، ۲۰۰۹، ص. ۱؛ هاریس^۶، ۲۰۰۳، ص. ۲). در این راستا، با توجه به این که هدف اصلی از توسعه در کشورهای در حال توسعه که برنامه‌های توسعه در آن به‌خوبی اجرا نشده و عدم تعادل‌های ناحیه‌ای در آن به چشم می‌خورد، حذف نابرابری‌ها است. رشد همراه با عدالت اجتماعی؛ یعنی تحول اقتصادی و اجتماعی به عنوان دو روی یک سکه به نوعی که نواحی حاشیه‌ای (مرزی) هم به منافع توسعه دستیابی داشته باشند، بهترین تعریف از توسعه خواهد بود (ظفری و همکاران، ۱۳۸۹، ص. ۱۳۰). در نواحی روستایی، به‌ویژه در نقاط مرزی توسعه اجتماعی به عنوان فرآیندی از تغییرات اجتماعی، هدفی است که تحقق آن به دلیل اهمیت غیرقابل انکار وضعیت اقتصادی، از بستر توسعه اقتصادی می‌گذرد (ناهار^۷، ۲۰۱۴، ص. ۶). در این ارتباط می‌توان گفت که تأسیس بازرچه‌های مرزی کشور، به عنوان کانال‌های ارتباطی جریان کالا و راهکاری مطمئن، می‌تواند زمینه‌ساز توسعه اقتصادی و به دنبال آن، توسعه اجتماعی مناطق محروم مرزی شوند. بازرچه مرزی محوطه‌ای است محصور، واقع در نقطه صفر مرزی و در جوار گمرکات، مجاز به انجام تشریفات ترخیص کالا یا مکان‌هایی که طبق تفاهم‌نامه‌های منعقدشده بین

عملکرد مطلوب بازارچه‌های مرزی به عنوان نهادهای محرک توسعه نیازمند مدیریتی کارآمد بوده که با توجه به مشکلات متعدد اقتصادی و اجتماعی و ساختارهای شکننده‌ای که در محیط روستایی و در مسیر ایفای نقش مطلوب بازارچه‌های مرزی وجود دارد، بتواند این نهاد اقتصادی را در مسیر صحیح هدایت کرد. شاخصه‌هایی که لازمه مدیریت مطلوب بازارچه‌های مرزی است در شکل (۲) آمده‌اند.



شکل ۲- شاخص‌های مدیریت مطلوب جهت موفقیت

سازمان‌ها و نهادها با تأکید بر بازارچه‌های مرزی

مأخذ: سوبیدی^{۱۱}، ۲۰۱۲، ص. ۲

در رویکرد توسعه یک پارچه روستایی نیز با توجه به دید سیستمی و اثرگذاری متقابل عرصه‌های ساختار روستایی، مدیریت مطلوب طرح‌های توسعه‌ای بسیار مهم بوده و لازمه دستیابی به توسعه‌ای درون‌زا و پایدار است. در این ارتباط به موازات اهمیت توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها در کشور، برنامه‌ریزی و مدیریت مطلوب طرح و پروژه‌های روستایی مورد توجه و تأکید قرار گرفته است (ازکیا، ۱۳۸۷، ص. ۱۲)؛ اما ضعف‌های متعددی که در عرصه برنامه‌ریزی کشور وجود دارد، در کنار ضعف ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در نواحی روستایی بسیاری از طرح‌ها و پروژه‌های توسعه روستایی را با چالش‌های جدی و موانعی در راستای اثرگذاری مطلوب همراه می‌سازند که در این بین، مدیران به عنوان تسهیل‌کنندگان و کاتالیزورهایی عمل می‌کنند که با اتخاذ راهکارهای اصلاحی و انجام اقدام‌های کاربردی، زمینه‌ساز اصلاح و بهبود عملکرد و در نتیجه، حرکت از وضع نامطلوب موجود به سوی وضع مطلوب می‌شوند (استیفن‌پی، ۱۳۸۴، ص. ۹ و ۲۴۴). انجام اقدام‌ها و تغییرهای اصلاحی از سوی مدیران حرکت به سوی رویکرد اثربخشی و کارایی در اداره و اثرگذاری سازمان‌ها و نهادهای توسعه‌ای است. اثربخش بودن؛ یعنی درجه و میزانی

جمهوری اسلامی ایران و کشورهای هم‌جوار تأسیس می‌شود (کهنه‌پوشی و عنابستانی، ۱۳۹۱، ص. ۹). بازارچه‌های مرزی کانون‌هایی‌اند به منظور به حرکت واداشتن نواحی روستایی برای حضور جدی‌تر در توسعه منطقه‌ای و ملی و راهبردی برای خروج این مناطق به واسطه افزایش همکاری‌های ملی و بین‌المللی از انزوای اقتصادی و جغرافیایی (سزالونتی^۸، ۲۰۱۱، ص. ۵۹). در واقع، تأسیس بازارچه‌های مرزی به عنوان راهبردی که موجب پویایی و تنوع‌بخشی اقتصاد روستایی می‌شود، توانایی حل بسیاری از معضلات کنونی روستاهای مرزی و حرکت آن‌ها در مسیر توسعه را دارند (شکل ۳) (طیب‌نیا و منوچهری، ۱۳۹۴، ص. ۱۵۲). در این میان، دستیابی به آثار مثبت توسعه‌ای ذکرشده در شکل (۳) در ارتباط با بازارچه‌های مرزی، زمانی امکان‌پذیر است که مدیریتی کارآمد به اداره آن بپردازد. نقش مدیریت در موفقیت یک نهاد و سازمان از این نظر دارای اهمیت است که اگر ما پیشرفت و موفقیت را حاصل یک فرآیند، هم‌جوشی ترکیبی از عناصر سرمایه، نیروی انسانی، منابع طبیعی، بازار بدانیم، مدیریت وظیفه برنامه‌ریزی و هماهنگی بین این عناصر را برعهده دارد (عزمی، ۱۳۹۰، ص. ۸۹). در واقع، مدیریت مطلوب، پتانسیل بالقوه‌ای جهت تسریع در مسیر دستیابی به عملکرد مطلوب و پیشرفت است (لامرینک^۹، ۲۰۰۲، ص. ۱۱). مدیریت عبارت است از علم و هنر برنامه‌ریزی (پیش‌بینی)، سازمان‌دهی (تقسیم کار و تفکیک وظایف)، هدایت و رهبری (راهنمایی زیردستان و توانایی نفوذ در آن‌ها)، نظارت و کنترل (ناظر بودن بر اعمال و اصلاح اشتباه کارکنان)، ایجاد هماهنگی و در ساده‌ترین تعریف؛ مدیریت، هنر انجام کار به وسیله مردمی است که هم هدف و هم وسیله دستیابی به توسعه محسوب می‌شوند (نونیا^{۱۰}، ۲۰۱۳، ص. ۱۱۴). بنابراین، موفقیت و شکست هر نهادی در دستیابی به اهداف و انجام وظایفش، متکی به مدیریت آن است. از دیدگاه رویکرد نهادگرایی در علم اقتصاد، توسعه یک فرآیند نهادساز است و در نتیجه هر منطقه، نیازمند ایجاد نهادهایی است که با مدیریت صحیح از طریق آن‌ها بتواند توسعه را در طول زمان هدایت کند. این رویکرد در پی تحرک‌بخشیدن به منابع محلی و انجام تغییرات متناسب با شرایط و الزامات توسعه منطقه است که تحقق این امر در گرو مدیریت کارآمد و مؤثر نهادهای توسعه‌ای می‌باشد (سعیدی، ۱۳۸۸، ص. ۱۱۵). در این راستا،

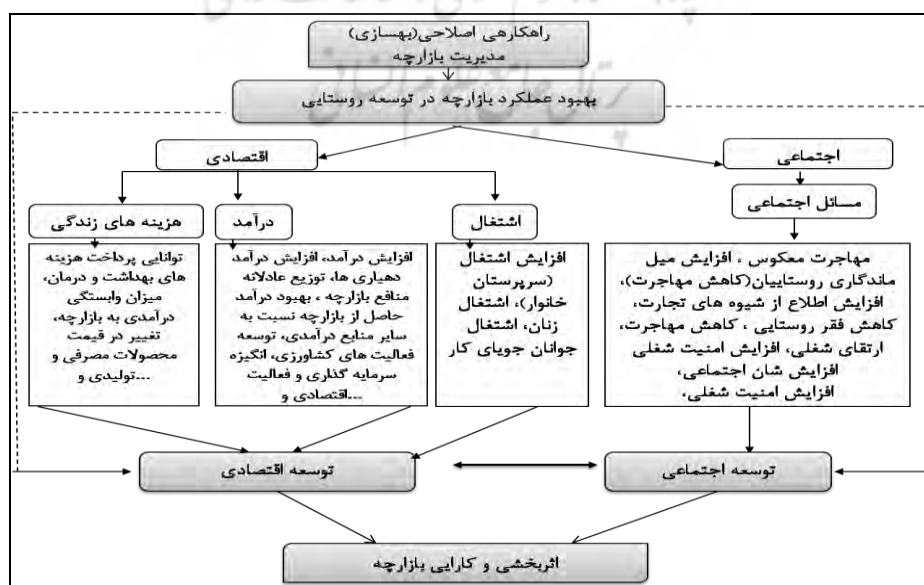
صورت می‌گیرد و سعی می‌شود که اقدامات مدیریتی در جهت بهبود و افزایش عملکرد سازمان‌ها و نهادها انجام گیرد. در واقع، بهسازی، اقدام‌ها و اصلاحاتی است که در راستای افزایش اثربخشی و کارایی نهادها از سوی مدیران انجام می‌گیرند (نجف بیگی، ۱۳۹۱، ص. ۱۰). بنابراین، برپایه این توصیفات، نیاز است که مدیران بازارچه‌های مرزی به صورت مستمر، بهسازی‌های مدیریتی لازم را انجام دهند و از تمامی منابع و فرصت‌ها که از مهم‌ترین آن‌ها مردم محلی و تمایل به توسعه تجارت از سوی کشورهای همسایه است؛ بهره‌گیرند تا برآیند این امر نیز اثربخشی و کارایی مطلوب بازارچه‌ها و در نتیجه، بهبود سطح توسعه اقتصادی و اجتماعی نواحی محروم مرزی باشد.

که سازمان و نهادها به تحقق اهداف از پیش تعیین شده نزدیک می‌شوند (ابراهیمی‌نژاد و محی‌الدینی، ۱۳۸۸، ص. ۱۲۴) و در جهت تحقق این اصل، نیاز است که مدیران موانع، مشکلات و ضعف‌های عملکرد نهادهای توسعه‌ای را در وهله اول، شناسایی و در مرحله بعد با اتخاذ راهکارهای اصلاحی، تغییرات لازم را اجرا کنند. از سوی دیگر، کارایی سازمان‌ها و نهادهای توسعه‌ای هم، زمانی محقق می‌شود که مدیران از تمامی توانمندی‌ها و منابع در دسترس محلی بهره‌گیرند (نجف بیگی، ۱۳۹۱، صص. ۱۰۰-۹۸؛ حسن‌زاده، ۱۳۸۶، ص. ۷۸-۷۷). در این راستا، امروزه از بهسازی نهادها و سازمان‌ها توسط مدیران بسیار یاد می‌شود. بهسازی کوششی است مستمر که از سوی مدیریت با هدف بهبود عملکرد و تحقق اهداف اولیه



شکل ۳- آثار و نتایج تاسیس بازارچه‌های مرزی در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵



شکل ۴- مدل مفهومی پژوهش

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

۴. یافته‌های پژوهش

۴.۱. یافته‌های توصیفی بعد اقتصادی

برسی پاسخ‌های روستاییان در بعد اشتغال نشان می‌دهد که در ارتباط با میزان اثرگذاری راهکارها و اقدامات اصلاحی انجام گرفته، در شاخص افزایش اشتغال سرپرستان خانوار، بیش از ۸۰ درصد پاسخ‌گویان به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد پاسخ گفته‌اند. در این ارتباط، در پاسخ به این سؤال که فعالیت در بازارچه به عنوان شغلی اصلی روستاییان محسوب می‌شود؟ ۴۱ درصد روستاییان فعالیت در بازارچه را شغل اصلی و ۶۹ درصد نیز آن را به عنوان اولین شغل فرعی خود بعد از کشاورزی بیان کرده‌اند. این در حالی است که مد برابر گزینه ۱ (خیلی کم) و قرارداشتن اکثریت پاسخ‌ها در گزینه‌های خیلی کم و کم نشان از عدم تأثیرگذاری اصلاحات انجام گرفته در بهبود شاخص افزایش اشتغال زنان دارد، هرچند که پاسخ ۳۰ درصدی به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد و ۲۰ درصدی به گزینه متوسط هم در این شاخص، مورد توجه و سؤال بود که روستاییان در پاسخ به این امر بیان می‌کردند که بازارچه به صورت مستقیم موجب اشتغال زنان نشده و به صورت غیرمستقیم از طریق رونق زراعت و دامداری، مشاغل درآمدزایی را برای زنان ایجاد کرده است. در شاخص افزایش اشتغال جوانان جویای کار (غیرسرپرست خانوار) نیز مقدار نامطلوب میانگین محاسبه شده (۲,۸۵) بر عدم بهبود وضعیت این شاخص به دنبال اصلاحات مدیریتی انجام گرفته دلالت دارد؛ اما در این شاخص مد برابر عدد ۳؛ یعنی شرایط متوسط محاسبه شده است تا بتوان گفت بازارچه توانسته است برای جوانان روستایی غیرسرپرست خانوار، اشتغال ایجاد کند؛ اما کیفیت و کمیت اشتغال در حد رضایت‌کننده‌ای نیست. در شاخص‌های مؤلفه درآمد نیز در شاخص افزایش درآمد، روستاییان با پاسخ‌گویی ۶۲ درصدی به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد و مد برابر گزینه ۵ (خیلی زیاد) به افزایش درآمد خود به واسطه اصلاحات انجام گرفته معتقدند. در شرایط مشابه نیز روستاییان با مد پاسخ‌ها برابر گزینه ۵؛ یعنی شرایط بسیار زیاد و میانگین رضایت‌کننده ۳,۴۸ به افزایش درآمد دهیاری‌های روستای خود پاسخ گفته‌اند. در این ارتباط روستاییان بیان می‌کردند که بعد از انجام اصلاحات مدیریتی، بخشی از درآمدهای بازارچه به دهیاری‌ها اختصاص می‌یابد. روستاییان با مد برابر عدد ۳؛ یعنی گزینه متوسط و میانگین

محاسبه شده برابر ۳,۳۹ بر بهبود وضعیت توزیع عادلانه منافع حاصل از بازارچه در بین روستاییان پاسخ گفته‌اند، روستاییان در مصاحبه‌ها مهم‌ترین دلیل این امر را نظارت و کنترل بیشتر جهت ممانعت از ورود غیربومیان و شهرنشینانی بیان کرده‌اند که در قبل بیشترین سهم را از منافع بازارچه داشتند. ۵۱ درصد روستاییان (۱۳۴ نفر) با پاسخ‌گویی به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد و میانگین محاسبه شده برابر ۳,۳۰ به طور نسبی بر نقش مثبت اصلاحات مدیریتی انجام شده در توسعه کشاورزی روستاهای بخش معتقدند، در مصاحبه‌ها روستاییان بیان می‌کردند که افزایش درآمد در بازارچه سرمایه اولیه لازم جهت خرید نهاده‌های هزینه بر کشاورزی را فراهم آورده است. در این ارتباط افزایش تعداد دام‌ها، ماشین‌آلات کشاورزی و ابزارآلات روش‌های آبیاری جدید، بیشتر مورد تأکید روستاییان بودند. مد برابر گزینه متوسط (۳) و میانگین محاسبه شده برابر ۳,۲۰ نشان‌دهنده اعتقاد پاسخ‌گویان به بهبود نسبی انگیزه سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در روستا است. روستاییان بیان می‌کردند که افزایش مطلوب درآمدهای آن‌ها از بازارچه بعد از تغییرات جدید انجام شده و در کنار آن انجام برخی اصلاحات کالبدی دیگر، مانند اجرای طرح‌های هادی موجب افزایش اطمینان آن‌ها به حمایت‌های دولتی شده و انگیزه‌های آن‌ها را برای توسعه اقتصادی روستا افزایش داده است. نمودهای آن نیز مانند تأسیس واحدهای مرغداری و گل‌خانه‌هایی برای تولید و نگهداری محصولات کشاورزی و رونق و فروش محصولات باغی، در سطح بخش قابل مشاهده می‌باشد. از سویی دیگر، می‌توان با توجه به میانگین محاسبه شده و مد برابر عدد ۳ اظهار کرد که بهبود عملکرد بازارچه به واسطه تغییرات اعمال شده توانسته است موجب افزایش سرمایه‌گذاری روستاییان در فعالیتهای اقتصادی خارج از روستا شود و به این ترتیب، به طور غیرمستقیم نیز موجب افزایش درآمد و بهبود وضعیت اقتصادی روستاییان شود. مد برابر گزینه‌های ۴ و ۵ و میانگین‌های مطلوب ۳,۵۴ و ۳,۶۶ به ترتیب مثبت بودن تغییرات و اصلاحات انجام گرفته را در افزایش توانایی مالی روستاییان در پرداخت هزینه‌های بهداشت و درمان و تأمین هزینه‌های مصرفی خانوارهای روستایی نشان می‌دهد. میانگین مطلوب و رضایت‌کننده محاسبه شده برابر ۳,۹۸ و مد برابر گزینه خیلی زیاد هم مبین میزان بالای وابستگی درآمدی روستاییان به بازارچه جهت

اهمیت و اولویت چندانی برای آن‌ها نداشت؛ اما در شاخص تغییر در قیمت محصولات مصرفی و تولیدی، یافته‌ها نشان می‌دهد که روستاییان با میانگین نامطلوب ۲,۲۴ به بهبود وضعیت این شاخص به دنبال انجام راهکارهای اصلاحی معتقد نیستند.

تأمین هزینه‌ها است. در واقع، اصلاحات انجام گرفته و افزایش کیفیت اثرگذاری بازرچه توانسته است که روستاییان را از لحاظ درآمدی به بازرچه مرتبط و وابسته کند. این در حالی است که روستاییان اظهار می‌کردند که در وضعیت قبلی درآمدهای بازرچه به دلیل دشواری فعالیت و مقدار ناچیز آن

جدول ۴- یافته‌های توصیفی حاصل از پاسخ‌های روستاییان به تغییرات شاخص‌های توسعه اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

مد	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	متغیر	مؤلفه	بعد
۵	۴,۰۴	۱۲۵	۷۱	۲۸	۲۱	۱۵	افزایش اشتغال (سرپرستان خانوار)	اشتغال	اقتصادی
۱	۲,۵۸	۲۶	۵۱	۵۱	۵۲	۷۲	اشتغال زنان		
۳	۲,۸۵	۲۲	۶۱	۸۷	۳۷	۵۳	اشتغال جوانان جویای کار		
۵	۳,۷۶	۹۴	۶۸	۵۷	۲۴	۱۷	افزایش درآمد	درآمد	
۵	۳,۴۸	۸۳	۵۳	۵۵	۴۴	۲۵	افزایش درآمد دهیاری‌ها		
۳	۳,۳۹	۴۳	۷۳	۱۰۷	۱۸	۱۹	توزیع عادلانه منافع بازرچه		
۴	۳,۸۹	۹۶	۹۶	۲۹	۱۸	۲۱	بهبود درآمد حاصل از بازرچه نسبت به سایر منابع درآمدی		
۴	۳,۳۰	۶۵	۶۹	۵۱	۳۱	۴۴	توسعه فعالیت‌های کشاورزی	توسعه اقتصادی	
۳	۳,۲۰	۴۳	۷۱	۷۷	۳۵	۳۴	انگیزه سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در روستا		
۳	۳,۰۳	۴۲	۵۲	۷۸	۴۴	۴۴	سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی خارج از روستا		
۴	۳,۵۴	۶۸	۸۵	۵۲	۳۰	۲۵	توانایی پرداخت هزینه‌های بهداشت و درمان	هزینه‌های زندگی	
۵	۳,۶۶	۸۲	۶۴	۶۸	۳۸	۸	تأمین هزینه‌های مصرفی خانواده (تغذیه، تفریح، پوشاک و غیره)		
۵	۳,۹۸	۱۰۲	۹۶	۲۹	۲۳	۱۰	میزان وابستگی درآمدی به بازرچه جهت تأمین هزینه‌ها		
۳	۲,۴۲	۱۱	۳۴	۸۲	۶۰	۷۳	تغییر در قیمت محصولات مصرفی و تولیدی		

روستاهای بخش، نشان می‌دهد که ۷۰ درصد پاسخ‌گویان با پاسخ‌گویی به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد و میانگین مطلوب ۳,۸۰ تغییرات انجام گرفته در راستای بهبود عملکرد و اثرگذاری بازرچه را عاملی در افزایش میل ماندگاری روستاییان در سطح روستاهای بخش می‌دانند. این در حالی است که مد برابر گزینه (۱)؛ یعنی شرایط خیلی کم و میانگین محاسبه شده برابر ۲,۳۲ نشان‌دهنده عدم تأثیرگذاری مثبت تغییرات و اصلاحات انجام گرفته در راستای بهبود عملکرد بازرچه در ارتقای شغلی روستاییان است. در این ارتباط بازدیدهای میدانی نشان می‌دهند که از روستاییان صرفاً در جهت کارگری ساده استفاده می‌شود و کارگری ساده هم عمده‌ترین شغلی است که ایجاد شده و مشاغل خدماتی مانند رانندگی، مغازه‌داری و یا پیله‌وری مشاهده نمی‌شوند. یکی از تأثیرات امیدوارکننده و مطلوب بهبود عملکرد بازرچه را می‌توان در پاسخ‌های روستاییان به شاخص مهاجرت معکوس

۲.۴. دوم یافته‌های توصیفی بعد اجتماعی

روستاییان با میانگین محاسبه شده برابر ۳,۱۹ به طور نسبی اصلاحات و تغییرات انجام گرفته را عاملی در افزایش خدمات عمومی و زیربنایی روستاهای منطقه می‌دانند. در این ارتباط یکی از اقدامات مثبت و تأثیرگذار که با پیگیری مسؤولان اداره بازرچه با سرعت بیشتری انجام گرفت، هم‌زمانی اجرای طرح‌های هادی در منطقه به منظور سامان‌دهی کالبدی در کنار رونق بازرچه به منظور رشد اقتصادی روستاهای بخش می‌باشد که این دو به عنوان مکمل یکدیگر، موجب تحول و دگرگونی زیادی در راستای توسعه منطقه شده‌اند. روستاییان با میانگین نامطلوب ۲,۶۵ عدم تأثیرگذاری اصلاحات انجام گرفته در افزایش اطلاع آن‌ها از شیوه‌های تجارت را بیان داشته‌اند. بررسی پاسخ‌های روستاییان در وضعیت شاخص میل ماندگاری در سطح

روستایی می‌باشد، فقر است. در ارتباط با این شاخص، پاسخ ۷۶ درصدی (۱۹۶ نفری) روستاییان به گزینه‌های زیاد و خیلی زیاد و مد برای گزینه زیاد نشان‌دهنده تأثیرگذاری مثبت بهبود عملکرد بازارچه در کاهش فقر روستایی منطقه است. یکی دیگر از شاخص‌های اجتماعی مورد سنجش، سطح تحصیلات روستاییان می‌باشد که میانگین محاسبه شده ۳,۰۱ و مد برابر عدد ۳ نشان از تأثیرگذاری نسبی بهبود عملکرد بازارچه در افزایش سطح تحصیلات روستاییان داشته است. در این ارتباط، سرپرستان خانوار بیان می‌کردند که افزایش درآمد آن‌ها موجب شده که آن‌ها توانایی هزینه‌کرد بیشتر جهت ارتقای سطح تحصیلات فرزندان خود را داشته باشند.

دید که به طور نسبی رونق بازارچه را عاملی در راستای بازگشت روستاییانی که به شهر مهاجرت کرده‌اند، می‌دانند؛ زیرا اجازه فعالیت در بازارچه تنها به خانواده‌هایی داده می‌شود که در روستاهای این منطقه مرزی ساکن هستند. بنابراین، خانواده‌هایی که زمانی به دلیل فشارهای اقتصادی از روستا مهاجرت کرده و در شهر با شرایط دشواری زندگی می‌کردند، هم‌اکنون به دنبال پویایی اقتصادی به روستاهای خود بازگشته‌اند. روستاییان با میانگین رضایت‌کننده ۳,۶۶ و مد برابر گزینه زیاد (۴) به افزایش امنیت شغلی خود به واسطه اصلاحاتی که در بازارچه جهت بهبود عملکرد آن انجام گرفت، معتقدند. یکی دیگر از شاخص‌های بسیار مهم در مباحث توسعه روستایی که مانعی عمده در راستای توسعه نواحی

جدول ۵- یافته‌های توصیفی حاصل از پاسخ‌های روستاییان به تغییرات شاخص‌های توسعه اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

مد	میانگین	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	خیلی کم	متغیر	مؤلفه	بعد
۴	۳,۱۹	۳۵	۸۴	۷۱	۳۷	۳۳	افزایش خدمات عمومی و زیربنایی	مسائل اجتماعی	اجتماعی
۳	۲,۶۵	۳۱	۲۲	۸۲	۷۶	۴۹	افزایش اطلاع از شیوه‌های تجارت		
۴	۳,۸۰	۸۹	۹۲	۴۰	۱۶	۲۳	افزایش میل ماندگاری روستاییان (کاهش مهاجرت)		
۱	۲,۳۲	۱۶	۲۴	۷۶	۵۶	۸۸	ارتقای شغلی		
۳	۳,۰۱	۳۶	۴۹	۹۷	۳۹	۳۹	مهاجرت معکوس (بازگشت روستاییان از شهر به روستا)		
۴	۳,۶۶	۶۷	۱۰۶	۳۹	۲۹	۱۹	افزایش امنیت شغلی		
۴	۳,۹۴	۹۵	۱۰۱	۲۸	۲۳	۱۳	کاهش فقر روستایی		
۳	۳,۰۱	۲۷	۷۵	۷۸	۳۶	۴۴	سطح تحصیلات		

این بین، مؤلفه درآمد و پس از آن اشتغال، هر دو از مؤلفه‌های اقتصادی، دارای بیشترین میانگین محاسبه شده و در واقع، بهترین تغییر وضعیت، بهبود و ارتقا هستند. در مجموع نیز میانگین محاسبه شده برابر ۳,۲۷ که بیشتر از مطلوبیت عددی مورد آزمون می‌باشد و معنی‌داری آن در سطح اطمینان ۹۵ درصد نشان می‌دهد که اصلاحات و اقدامات انجام شده در راستای پویایی و بهبود کیفیت اثرگذاری بازارچه به بهبود وضعیت توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاییان منجر شده است. در این بین، وضعیت بعد اقتصادی با میانگین و آماره t بیشتر، نشان از اثرپذیری، ارتقا و بهبود بیشتر این بعد، به واسطه اصلاحات انجام شده نسبت به بعد اجتماعی دارد.

۳.۴. یافته‌های تحلیلی

جهت پاسخ‌گویی به سؤالات پژوهش و تعمیم یافته‌های حاصل از بخش توصیفی در این بخش از آزمون‌های آمار استنباطی استفاده می‌شود. در ابتدا جهت سنجش و تأیید اثرگذاری اصلاحات مدیریتی انجام شده در توسعه اقتصادی اجتماعی روستاهای پیرامون بازارچه از آزمون t تک نمونه‌ای بهره گرفته شد. نتایج آزمون در جدول (۶) نشان داده شده است. مقدار معنی‌داری محاسبه شده کمتر از سطح آلفای ۰,۰۵، مقدار مطلوب آماره‌های t و مثبت بودن هر دو حد بالا و پایین، نشان‌دهنده این واقعیت است که اصلاحات و تغییرات انجام شده در سطح اطمینان ۹۵ درصد توانسته است به بهبود وضعیت همه مؤلفه‌های اقتصادی و اجتماعی منجر شود. در

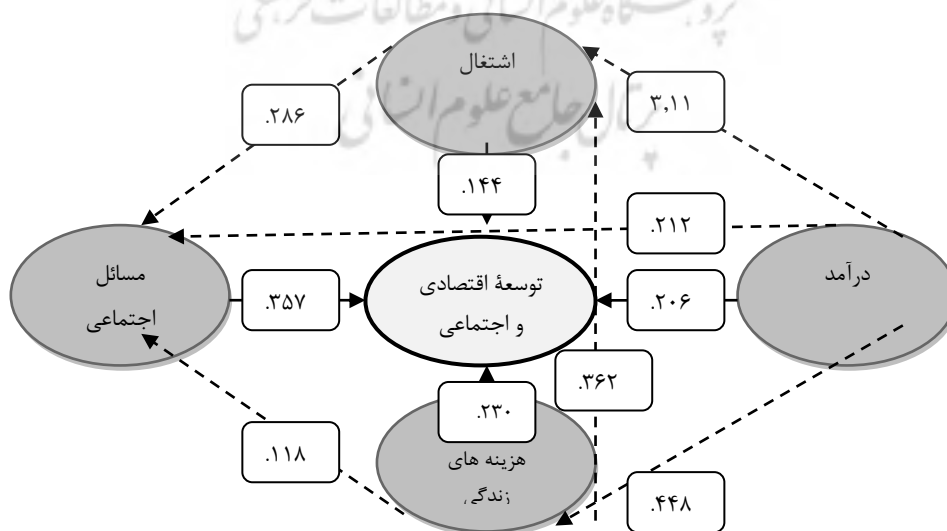
جدول ۶- نتایج آزمون t تک نمونه‌ای سنجش دیدگاه روستاییان در ارتباط با کیفیت اثرگذاری اصلاحات مدیریتی بازاریابی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

اطمینان ۹۵ درصد		مطلوبیت عددی مورد آزمون=۳					تفاوت از حد مطلوب	مؤلفه
		میانگین	درجه آزادی	معناداری	مقدار t	پایینتر		
۰.۰۷	۳۰۷	۳,۱۵	۲۵۹	۰.۰۴۰	۲,۰۶	۰.۱۵۷	اشتغال	
۰.۲۲۶	۶۲۱	۳,۴۵	۲۵۹	۰.۰۰۰	۶,۳۴	۰.۴۵۳	درآمد	
۰.۲۶۹	۵۴۲	۳,۴۰	۲۵۹	۰.۰۰۰	۵,۸۵	۰.۴۰۵	هزینه‌های زندگی	
۰.۲۰۱	۴۸۹	۳,۳۴	۲۵۹	۰.۰۰۰	۴,۷۳	۰.۳۴۵	مجموع توسعه اقتصادی	
۰.۰۵۸	۳۴۰	۳,۱۹	۲۵۹	۰.۰۰۶	۲,۷۹	۰.۱۹۹	مسائل/ توسعه اجتماعی	
۰.۱۳۰	۴۱۴	۳,۲۷	۲۵۹	۰.۰۰۳	۳,۷۸	۰.۲۷۲	مجموع توسعه اقتصادی اجتماعی	

مؤلفه‌ها به عنوان متغیر وابسته و سایر مؤلفه‌ها به عنوان متغیر مستقل با ضرب کردن کلیه مسیرها به مؤلفه مورد نظر و در نهایت، جمع کردن همه مسیرهای ضرب شده به مؤلفه مورد نظر، میزان اثرات غیرمستقیم نیز مشخص شد و در آخر نیز با جمع کردن اثرات مستقیم و غیرمستقیم، بار کلی و میزان اثرگذاری نهایی هر مؤلفه بر توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاها مشخص شد. همان‌طور که در جدول (۷) مشاهده می‌شود، مؤلفه درآمد با بار کلی ۰.۴۸۸ دارای بیشترین تأثیر در توسعه اقتصادی اجتماعی روستاییان به دنبال انجام اصلاحاتی است که به منظور رونق بازاریابی انجام گرفتند.

به منظور مشخص کردن مؤثرترین مؤلفه تأثیرگذار در توسعه اقتصادی اجتماعی روستاهای منطقه مورد مطالعه به دنبال انجام اصلاحات مدیریتی در بازاریابی از آزمون تحلیل مسیر سلسله‌مراتبی بهره گرفته شد. به این ترتیب، در ابتدا مجموع تلفیقی مؤلفه اقتصادی اجتماعی به عنوان متغیر وابسته و تمامی مؤلفه‌ها به تفکیک به عنوان متغیر مستقل، جهت تعیین اثرات مستقیم و در ادامه هر یک از مؤلفه‌ها نیز به ترتیب با دیدگاه کارشناسانی که سابقه مطالعات مشابه را در منطقه داشتند و در زمینه توسعه روستایی منطقه متخصص بودند، به عنوان متغیر مستقل وارد مدل شدند و تأثیرات آن‌ها سنجیده شد. در ادامه پس از وارد کردن و جای‌گزینی تک‌تک



شکل ۵- مدل تحلیل مسیر مؤلفه‌های تأثیرگذار بر توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها به واسطه رونق بازاریابی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

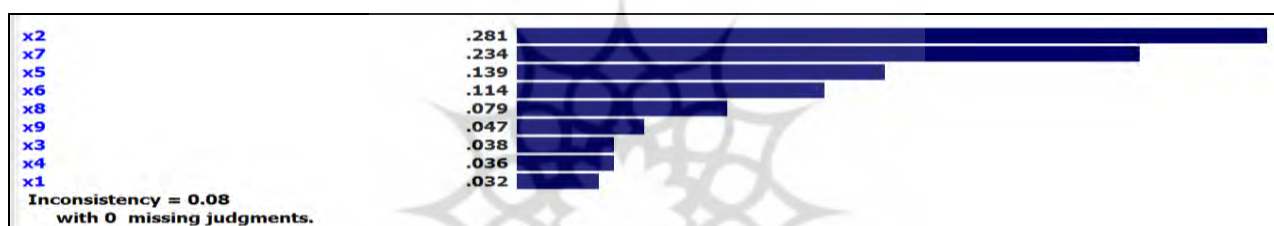
جدول ۷- اثر مستقیم، غیرمستقیم و کلی هر یک از مؤلفه‌های مورد سنجش در توسعه اقتصادی و اجتماعی روستاها

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

مؤلفه‌ها	اثر مستقیم	اثر غیرمستقیم	بار کلی
اشتغال	.۱۴۴	.۱۰۲	.۲۴۶
درآمد	.۲۰۶	.۲۹۲	.۴۸۸
هزینه‌های زندگی	.۲۳۰	.۱۳۱	.۳۶۱
مسائل اجتماعی	.۳۵۷	—	.۳۵۷

اقدام مدیریت در بهبود عملکرد بازارچه بوده است. مجموع اوزان برابر ۱ و نرخ ناسازگاری محاسبه شده نیز کمتر از ۰,۰۱ است تا تأییدی بر مطلوب بودن قضاوت و داوری‌های انجام شده باشد.

در ادامه، نتایج مقایسه‌های دودویی ارائه شده در جدول (۸) پس از محاسبه در نرم‌افزار EC همان‌طور که در شکل (۶) نشان داده شده است، نشان می‌دهد که افزایش سقف مبادلات و افزایش درآمد روستاییان، مهم‌ترین و پراهمیت‌ترین اصلاح و



شکل ۶- نمایش نتیجه مقایسه دودویی در نرم‌افزار EC

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

جدول ۸- مقایسه دودویی اصلاحات و تغییرات انجام شده در راستای بهبود عملکرد بازارچه

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

تغییرات و اصلاحات مدیریتی		۱X	۲X	۳X	۴X	۵X	۶X	۷X	۸X	۹X
X1	نظارت بیشتر بر عملکرد مسؤولان بازارچه	۱	$\frac{1}{7}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{5}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{3}$	۲
X2	افزایش سقف مبادلات و درآمد روستاییان	۷	۱	۷	۷	۳	۴	۲	۳	۵
X3	اهمیت‌دادن بیشتر به مردم محلی	۲	$\frac{1}{7}$	۱	۲	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{6}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{3}$
X4	بهبود زیرساخت‌های ارتباطی و خدماتی بازارچه	۳	$\frac{1}{7}$	$\frac{1}{2}$	۱	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{3}$	$\frac{1}{5}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$
X5	جولوگیری از ورود غیرقانونی شهرنشینان	۴	$\frac{1}{2}$	۴	۴	۱	۳	$\frac{1}{2}$	۲	۳
X6	توزیع عادلانه درآمدهای بازارچه در میان روستاییان	۵	$\frac{1}{4}$	۴	۳	$\frac{1}{2}$	۱	$\frac{1}{4}$	۳	۴
X7	تداوم فعالیت و جولوگیری از تعطیلی‌های مقطعی	۶	$\frac{1}{2}$	۶	۵	۳	۴	۱	۳	۵
X8	انعقاد تفاهم‌نامه‌های همکاری با کشور همسایه	۳	$\frac{1}{2}$	۲	۳	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{2}$	۱	۳
X9	اختصاص بخشی از درآمدهای بازارچه به دهیاری‌ها	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{5}$	۳	۲	$\frac{1}{2}$	$\frac{1}{4}$	$\frac{1}{5}$	$\frac{1}{2}$	۱

۵. نتیجه گیری

وابستگی به بازرچه جهت تأمین هزینه‌ها، دارای بیشترین میانگین‌های حاصل شده و به عبارتی، دارای بیشترین ارتقا و بهبود وضعیت با انجام راهکارهای اصلاحی بوده‌اند. در واقع، این راهکارها، بیکاری و بی‌درآمدی، دو معضل اصلی پیش روی توسعه روستاها را برطرف کرده تا بازتاب این امر افزایش وابستگی روستاییان به درآمدهای حاصل از بازرچه باشد. در بعد اجتماعی نیز دو شاخص کاهش فقر روستایی و افزایش میل ماندگاری (کاهش مهاجرت) دارای بیشترین ارتقا و بهبود وضعیت با اجرای راهکارهای اصلاحی بوده‌اند. در واقع، کاهش فقر روستایی از طریق اشتغال و درآمدهای ایجاد شده از بازرچه، عاملی شده که معضل مهم و روبه‌رشد منطقه؛ یعنی مهاجرت از روستاها و کاهش جمعیت روستایی متوقف شده و کاهش یابد و حتی مهاجرت معکوس به روستاها شکل گیرد.

یافته‌های پژوهش در راستای پاسخ‌گویی به سؤال اول، مبنی بر این مطلب که آیا اصلاحات مدیریتی انجام گرفته توانسته است به توسعه اقتصادی^{۱۰} اجتماعی مردم محلی منجر شود؟ نشان دادند که با اطمینان ۹۵ درصد و میانگین رضایت‌بخش ۳,۲۷ می‌توان گفت که اصلاحات و راهکارهای اتخاذی مؤثر واقع شده و کیفیت اثرگذاری بازرچه در توسعه اقتصادی^{۱۰} اجتماعی روستاهای پیرامون آن افزایش یافته است. بنابراین، می‌توان گفت بهسازی‌های مدیریتی انجام گرفته به اثربخشی و کارایی نهاد بازرچه مرزی منجر شده است. در بعد اقتصادی و در مؤلفه اشتغال، شاخص افزایش اشتغال سرپرستان خانوار، در مؤلفه درآمد، شاخص افزایش درآمد خانوارهای روستایی و در مؤلفه هزینه‌های زندگی، شاخص

جدول ۹- وضعیت اثرگذاری و یا عدم اثرگذاری عملکرد بازرچه به دنبال اجرای راهکارهای اصلاحی بر روی شاخص‌های اقتصادی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

مؤلفه	متغیر	نتیجه	مؤلفه	متغیر	نتیجه
اشتغال	افزایش اشتغال (سرپرستان خانوار)	تأیید	هزینه‌های زندگی	توانایی پرداخت هزینه‌های بهداشت و درمان	تأیید
	اشتغال زنان	رد		تأمین هزینه‌های مصرفی خانواده (تغذیه، تفریح، پوشاک)	تأیید
	اشتغال جوانان جویای کار	رد		میزان وابستگی درآمدی به بازرچه جهت تأمین هزینه‌ها	تأیید
				تغییر در قیمت محصولات مصرفی و تولیدی	رد
درآمد	افزایش درآمد				
	افزایش درآمد دهیاری‌ها				
	توزیع عادلانه منافع بازرچه				
	بهبود درآمد حاصل از بازرچه نسبت به سایر منابع درآمدی				
	توسعه فعالیت‌های کشاورزی				
	انگیزه سرمایه‌گذاری و فعالیت اقتصادی در روستا				
	سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی خارج از روستا				

جدول ۱۰- وضعیت اثرگذاری و یا عدم اثرگذاری بازرچه به واسطه اجرای راهکارهای اصلاحی بر روی بهبود شاخص‌های اجتماعی

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۳۹۵

مؤلفه	متغیر	نتیجه	متغیر	نتیجه
مسائل اجتماعی	افزایش خدمات عمومی و زیربنایی	تأیید	مهاجرت معکوس (بازگشت روستاییان از شهر به روستا)	تأیید
	افزایش اطلاع از شیوه‌های تجارت	رد	افزایش امنیت شغلی	تأیید
	افزایش میل ماندگاری روستاییان (کاهش مهاجرت)	تأیید	کاهش فقر روستایی	تأیید
	ارتقای شغلی	رد	سطح تحصیلات	تأیید

روستاییان داشته است؟ که نتایج آزمون تحلیل مسیر نشان داد که به دنبال اتخاذ و اجرای راهکارهای اصلاحی، شاخص افزایش درآمد با بارکلی ۰,۴۸۸. بیشترین تأثیر را در تغییر سطح توسعه

سؤال دوم پژوهش مبتنی بر این مطلب بود که به دنبال انجام اصلاحات مدیریتی انجام گرفته، کدام یک از مؤلفه‌ها بیشترین تأثیر را در تغییر سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی

قرارگرفتن منطقه مورد مطالعه در کنار قطب گردشگری تجاری کشور؛ یعنی شهر مریوان و بانه می‌توان به رونق گردشگری تجاری در بخش کمک کرد و با رونق گردشگری علاوه بر جوانان روستایی بسیاری از زنان روستایی هم وارد عرصه مستقیم فعالیت اقتصادی می‌شوند.

- اختصاص بخشی از درآمدهای بازارچه و تشکیل صندوقی از آن‌ها جهت اعطای وام به روستاییان به منظور راه‌اندازی کسب‌وکارهای جدید و مولد.

- در نظر گرفتن تمهیداتی که اشتغال در بازارچه صرفاً به سرپرستان خانوار محدود نشود و جوانان روستایی واقع در سن فعالیت اقتصادی را نیز شامل شود. در این ارتباط حرکت به سمت صادرات، جلوگیری از ورود غیرقانونی شهرنشینان، ایجاد واحدهای تولیدی و صنعتی با تأکید بر واحدهای کوچک کارگاهی درون روستایی، متناسب با پتانسیل‌های منطقه با صرف درآمدهای بازارچه و یا صدور کالاهای تولیدی آن‌ها از بازارچه پیشنهاد می‌شود.

- به منظور تغییر در قیمت کالاهای مصرفی و تولیدی روستاییان: اتخاذ تمهیداتی به منظور این که روستاییان سهمیه‌ای مخصوص برای تهیه کالاهای اساسی و ضروری خود که از بازارچه وارد می‌شود، داشته باشند.

- حرکت به سمت رویکرد صادراتی در کنار رویکرد صرف وارداتی. در این زمینه می‌توان به صدور محصولات تولیدی کشاورزان (زراعت، دامداری و باغداری) منطقه پرداخت که با توجه به تفاوت نرخ ارز و تقاضای بالای کشور همسایه درآمد مطلوبی عاید روستاییان می‌شود.

یادداشت‌ها

1. Pál
2. Petronela
3. Sakamoto
4. Rawat
6. Westholm
7. Harris
8. Nahar
9. Szalontai
10. Lammerink
11. Nunia
12. Subedi

اقتصادی^۵ اجتماعی روستاییان داشته است. تبیین این امر را می‌توان در تعیین‌کننده بودن شاخص درآمد در کیفیت زندگی نواحی در حاشیه و رنج مناطق مرزی دانست. در واقع، هر اقدامی در راستای توسعه مناطق مرزی باید در ابتدا بهبود وضعیت درآمد روستاییان فقیر را هدف قرار دهد تا بهبود این شاخص بتواند زمینه‌ساز بهبود و ارتقای سایر شاخص‌های اقتصادی- اجتماعی توسعه شود. همان‌طور که در پژوهش حاضر نیز مؤلفه درآمد علاوه بر تأثیر مستقیم به صورت غیرمستقیم نیز با اثرگذاری بر سایر مؤلفه‌های اقتصادی- اجتماعی، موجب بهبود سطح توسعه روستاهای پیرامون بازارچه شده است. سؤال سوم پژوهش نیز مبتنی بر این مطلب بود که کدام یک از اصلاحات و تغییرات مدیریتی انجام‌گرفته دارای بیشترین اهمیت در تغییر وضع موجود توسعه روستاهای بخش بوده‌اند؟ در این ارتباط قضاوت دودویی و شفاهی کارشناسان امر نشان داد که افزایش سقف مبادلات و سطح درآمد روستاییان، راهکار اصلاحی است که بیشترین اهمیت و تأثیر را در بهبود سطح توسعه اقتصادی- اجتماعی روستاها به واسطه بهبود عملکرد بازارچه داشته است. در نهایت، با توجه به یافته‌های پژوهش، بازدیدهای میدانی و مصاحبه‌ها راهکارهای زیر نیز می‌توانند راه‌گشای مطلوبی به منظور بهبود هرچه بیشتر عملکرد بازارچه و افزایش اثرگذاری آن در توسعه اقتصادی^۶ اجتماعی روستاهای پیرامون بازارچه با رفع معضلات و شاخص‌هایی که هنوز در وضعیت رضایت‌کننده‌ای قرار ندارند، باشند:

- در راستای ارتقای شغلی روستاییان و اشتغال زنان: ایجاد مشاغل خدماتی جدید به غیر کارگری ساده در بازارچه برای روستاییان هم‌چون پیله‌وری، مغازه‌داری، رانندگی، عرفه‌داری و غیره که این امر در گرو آموزش روستاییان در ارتباط با تجارت و شیوه‌های آن، تشکیل تعاونی‌های تجاری، اعطای وام‌های کم‌بهره و بلندمدت، ایجاد امکانات رفاهی و اقامتی در بازارچه می‌باشد. در این ارتباط یکی از راهکارهای مهم ایجاد بازارچه‌های فروش محصولات وارداتی در مکان‌های مناسب در سطح روستاهای منطقه می‌باشد که با توجه به پتانسیل‌های دیگر گردشگری روستاهای منطقه و نیز

References

1. Ahmadian, M. (1390/2011). Spatial analysis and evaluation of development of villages of Miandoab using fuzzy TOPSIS model. *Journal of Spatial Planning*, 1(3), 131-154. [In Persian].
2. Amini, M. (2014). *What economic development and development indicators are there?* Retrieved from <http://asrebank.ir/news/12970>. [In Persian]
3. Armaki, A., Mobaraki, M., & Shahbazi, Z. (1391/2012). Reviewing and identifying applied indicators of social development using the Delphi technique. *Journal of Social and Cultural Development Studies*, 1(1), 8-21. [In Persian]
4. Asayesh, H. (1385/2006). *Principles and methods of rural planning* (7th Ed.). Tehran: Payame Noor University Press. [In Persian]
5. Azkiya, M. (1387/2008). *Management Development of rural infrastructure services development* (1st Ed.). Tehran: Iranian Organization of Municipalities and Dehyari. [In Persian]
6. Azmi, A. (1390/2011). The current situation and challenges rural management faces in Iran (Case study: Gorganrud rural district of Talesh). *Quarterly Geographical Territory*, 8(32), 83-94. [In Persian]
7. Ebrahimi nejad, M., & Mahyadini, Z. (1388/2009). The relationship between the Staff selection and the organizational effectiveness (Case study: Rafsanjan Sarcheshmeh copper complex). *Journal of Research Manager*, 2(3), 117-147. [In Persian]
8. FAO, FAP. (2011). *Dobley Cross-border Market Profile Report*. [fews net/wfp/fao joint cross-border market and trade monitoring project](http://www.fao.org/wfp/fao-joint-cross-border-market-and-trade-monitoring-project).
9. Harris, J. (2003). *Basic Principles of Sustainable Development, global development and environment institute working*. Paper 00-04, Retrieved December 8, 2016 from: www.ase.tufts.edu/gdae/publications/working.../Sustainable%20Development.
10. Hasanzadeh, A. (1386/2007). Performance and factors affecting it in banking system. *Semiannual Journals Economic Studies*, 4(7), 75-86. [In Persian]
11. Husseinzadeh Dalir, K. (1390/2011). *Regional planning* (2nd Ed.). Tehran: SAMT. [In Persian]
12. Ismail Zadeh, K. (1391/2012). Joint border markets: A mechanism for the healthy development of the economy of areas frontiersman and regional cooperation. *The Second National Conference on Economic Development Strategies with a Focus on Regional Planning*, Islamic Azad University of Sanandaj, Sanandaj, Iran. [In Persian]
13. Kamran, H. (1389/2010). Performance analysis of border market Bajgiran. *Journal of Geographical Society of Iran*, 6(18-19), 7-25. [In Persian]
14. Kohnehpooshi, H., & Anabestani, E. (1391/2012). The relationship between distance from the border, income, and employment in the smuggling of goods (Case study: Khav and mirabad region in Marivan). *Journal of Urban and Regional Studies and Research*, 14(15), 1-20. [In Persian]
15. Lammerink, M. P., & Bolt, E. (2002). Supporting Community Management: A manual for training in community management in the water and sanitation sector. In *Occasional paper series* (No. 34 E). IRC.
16. Langroodi, H. (1386/2007). *Rural planning with an emphasis on Iran* (1st Ed.). Mashhad: SID press. [In Persian]
17. Manoochehri, S., & Farahani, H. (1393/2014). *Analysis of factors affecting tourism development to achieve sustainable rural development* (Unpublished master s thesis). Zanzan University, Zanzan, Iran. [In Persian]
18. Mohammadi, M. (1392/2013). *The nature of social development and its relation to other forms of development*. Retrieved from <http://www.ommid.com/fa/news/6019>. [In Persian]
19. Nahar, S. (2014). *Text analysis of social development as a concept* (unpublished thesis) . the University of Texas at Arlington. Texas. United States of America. Retrieved December 15, 2016 from: https://uta-ir.tdl.org/uta-ir/bitstream/handle/10106/.../Nahar_uta_2502M_12925.pdf.
20. Najaf biagi R. (1391/2012). *Organization management* (5th Ed.). Tehran: Terme Publication. [In Persian]
21. Nunia, I. (2013). Diversity in the Concept of Management: Different Style and Difference Ethics. *American Journal of Humanities and Social Sciences*, 1(3), 144-150.

22. Pahlavani, M. (1385/2006). Understanding the trade-economic potential of Sistan and Baluchestan. *Proceedings of the Conference on Understanding the Trade-Economic Potential of Sistan and Baluchestan* (pp. 370-405), University of Zahedan, Zahedan, Iran. [In Persian]
23. Pál, A. (2001). *The impact of border-zone location on spatial features of szeged's trade, new results of cross-border co-operation*. The department of social geography and regional development planning of the University of Debrecen.
24. Papoli Yazdi, M., & Abrahimi, M. (1387/2008). *Theories of rural development* (5th Ed.). Tehran: SAMT Publication. [In Persian]
25. Petronela, A. (2012). Concepts of Economic Growth and Development. Challenges of Crisis and of Knowledge, *Economy Transdisciplinarity Cognition*, 1(15), 6-71.
26. Rawat, D. (2012). *Secretary General, for and on behalf of the Associated Chambers of Commerce and Industry of India*. Retrieved December 22, 2015 from: <http://www.un.org/pgs/71/tag/next-secretary-general>.
27. Sadremousavi, M., & Talebzade, M. (2012). Analysis of the level of development of rural areas: Chaldoran city. *Journal of Geography and Planning*, 17(44), 215-235. [In Persian]
28. Saedi, A. (2009). Analyzing social economy of joint border markets (Case study: Border market of Sardasht and Piranshahr). *Journal of Social Sciences*, 45(10), 110-126. [In Persian]
29. Sakamoto, K. (2003). *Social Development, Culture, and Participation: Toward theorizing endogenous development in Tanzania* (Unpublished master thesis). School of Asia-Pacific Studies, Waseda University (GSAPS), Tokyo, Japan.
30. Sarver, R. (2004). Using the AHP in geographical location (Case study: Positioning for the future development of Miandoab). *Journal of Geography*, 49(1), 19-38. [In Persian]
31. Stephen, P.R., & I Di, D. (1384/2005). *Basic management* (3th ed., M. Arabe, & M. Rafie, Trans.). Tehran: Cultural Research Bureau. [In Persian]
32. Subedi, K. (2012). *Modern concept of management*, Retrieved July 15, 2015 from: www.landcoalition.org.
33. Szalontai, L. (2011). *Introduction of the know bridge project and its results*. The department of social geography and regional development planning humanitarian policy group overseas development institute 111 Westminster bridge road London of the university of Debrecen & institute for euro regional studies.
34. Tayebnia, H., & Manoochehri, S. (2016). The role of border markets on the social and economic development of rural areas of the Khaw Mirabad (Marivan). *Journal of Economics Space and Rural Development*, 1(15), 148-173. [In Persian]
35. Veysi, F., & Dastvar, A. (2015). Assessing the impacts of reopening borders on the development of rural areas (Case study: Khav and Mirabad rural district of Marivan). *Journal of Kurdistan Province Police Knowledge*, 21(6), 11-32. [In Persian]
36. Westholm, E. (2009). *Indicators for sustainable development of rural municipalities – Case studies: Gagnef and Vansbro : (Dalarna, Sweden)*. University Oldenburg. Retrieved February 8, 2014 from: https://www.uni-oldenburg.de/fileadmin/user_upload/biologie.../DA_Niggemann.pdf
37. Mphammadi-e-Yegane, B. (2011). Assessing the economic impacts of Mehran border market on the development of rural areas (Case study: Mohsenabad). *Journal of Applied Research of Geosciences*, 12(25), 79-96. [In Persian]
38. Zafari, D., Hosseini, H., Haliji, A., & Fathi, H. (2010). Ranking social development of the city of Hamedan. *Journal of Studies of Sociology*, 2(8), 129-141. [In Persian]
39. Zarghani, S.H. (2012). Spatial-political analysis of border markets (Case study: Bashmaq Marivan). *Modares Journal of Human Sciences*, 16(1), 2-23. [In Persian]